**(( وصیتنامه شهید جمشید ابراهیمی ))**

اِنفِروا خَفافاً و ثِقالاً و جاهَدوا بِاَموالِکُم و اَنفُسَکُم فِی سَبیلِ ا... ذلِکُم خَیرٌ لَکُم اِن کُنتُم تَعلَمُون .

برای جنگ با کافران ، سبک بار و مجهز بیرون شوید و در راه خدا با مال و جان جهاد کنید ... این کار برای شما بسی بهتر خواهد بود اگر مردمی با فکر و دانش باشید . ( توبه – 41 )

ای برادران و خواهران ، من سربازم ، سربازی که از دشت های سرسبز شمال گرفته تا هوای گرمسیر خوزستان ، آمده ام که به جهانیان ثابت کنم که اسلام فرزندانی دارد که از مکتبش و از ناموسش دفاع کند . بله سربازم ، سربازی که می خواهد پرچم اسلام را در جهان به اهتزاز در آورد تا با خون خودم این مزدوران آمریکایی را بیرون کنم و در ضمن به برادران بسیج و سپاه اشاره می کنم ؛ شما بازوی مسلح ولایت فقیه و سربازان اسلام هستید و در خاطره ها یاد سربازان صدر اسلام را زنده می کنید . پس باید به وظیفۀ خطیری که دارید آگاه باشید و آن صیانت از اسلام عزیز است . در این راه باید شب و روز برای رضای خداوند و حراست از دین خدا تلاش کنید . همۀ ما مدیون خون این رهبر و این انقلاب هستیم و باید که این انقلاب را به اقصی نقاط دنیا صادر کرده و مقدمۀ ظهور حضرت مهدی (عج) را فراهم آوریم .

مادرم ، ما در اینجا می بینیم که مادران شهدا به جبهه می آیند و ما را تشویق می کنند ولی بعضی از مادرها وقتی که بچه هایشان می خواهند به جبهه بیایند جلوی آنها را می گیرند ، چرا بعضی از مادرها اینطورند ؟ ولی متأسفانه من که مادری ندارم که بیاید به جبهه ، رزمندگان اسلام را تشویق کند و نه مادری دارم که جلوی بچه هایش را بگیرد ولی در هر صورت از مادران شهدا تقاضا می کنم که رزمندگان را تشویق کنند و اگر تشویق نکنند کافران و دشمنان اسلام خیلی خوشحال می شوند .

برادران و خواهران بسیجی و سپاهی و مردم بهشتی شهر ، اینک کار بدینجا رسیده . ما عازم کربلای خونین در عصر خود هستیم تا لبیک به فرمودۀ امام گفته باشیم . من که در این دنیای فانی غیر از چند قطره خون ناقابل

 تحفۀ ارزنده ای ندارم تا به پیشگاه خدای تبارک و تعالی ارزانی دارم . چه خوب است که این قطرۀ خون در کربلای عصر فانی سبیل الله ریخته شود . شاید این چند قطره خون آلوده به گناه خط بطلانی باشد بر اعمال و کردار ناپسندانه ای که در حال حیات از من عاصی سر زده است و تنها یک سفارش از قلب داغدیده و رنج آور خود به ملت قهرمان که باید بعد از ماه ها وارث این خون ها باشند دارم و آن این است که ای دلاوران ، ای متدینین ، ما روز قیامت در پای محشر از شما نخواهیم گذشت اگر کشتی پر تلاطم و موج شکن انقلاب عظیم اسلامی را به ساحل سعادت و نجات پابرهنگان و درماندگان و مظلومان تاریخ در مقابل ظلم و تعدّی ظالمان نرسانید . ما از شما شِکوه خواهیم کرد اگر خون ماها را در راه منافع شخصی و رفاه و آسایش خود و میل به اهداف شرک آمیز و دغل باز و امیال غیرشرعی خود آلت دست و ملعبه قرار دهید و بدانید که مسئولیتی بس سنگین و دشوار بر دوش دارید تا این که این رسالت عظیم الهی را به سرمقصد وعده داده شده اش برسانید . شما را به خدا کی می توانید امامی مثل پیر اژدرافکن چون خمینی بیابید ؛ کی می توانید مسئولیتی همچون ابوذرها و سلمان ها که الان بر ما حکومت می کنند به چنگ آرید . شما را به خدا بیایید از این پاک باختگان که خدا را گواه می گیریم در مائده الهی هستید بر ما اطاعت کنید تا این که خدا از شما و از ما راضی گردد . و خدای ناکرده نباشید از آنانی که نفرین و ناله جانگداز مادران عزیز از دست رفته گریبان شما را بگیرد و همیشه ندای سیدالشهداء(ع) را به یاد داشته باشید که بر جبهۀ کفر فرمود : اِن لَم یَکُن لَکُم دین فَکونُوا اَحراراً فِی دُنیاکُم. اگر شما را به جهان دین و آئینی نیست، لااقل مردم آزاده به دنیا باشید . و در خاتمه از پدر و نامادریم و برادرم پرویز و مصیب و خواهر فاطمه و از برادرزنم و از وابستگانم و دوستانم خواهش دارم در بدرقۀ من هیچ گونه ناراحتی و گریه نکنید و در ضمن از همسرم خواهشی که دارم هیچ گونه ناراحتی و گریه نکن که این به خواست خدا بود که سرنوشت شما این طور بود . پدرم مرا ببخش هرچند که فرزند خوبی برای شما نبودم .

نمازم را آقای جباری بخواند و مکان دفنم در تکیه امام باشد . من شناخت اسلام و دین و آزادگی را از برادر بزرگ که معلم دینی من بود از آقای عبداللهی آموختم .

**خداحافظ – جمشید ابراهیمی والسلام**